

## روش تدریس هدایت محور؛ پیوست اخلاقی روزآمد برای کارآمدسازی دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها

حسن عباسی\*

### چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف آموزشی در تدریس معارف اسلامی ارتقای سطح معرفتی و ایمانی دانشجویان به واسطه ارائه محتوای آموزشی مناسب است. برای تحقق این مهم روش‌های آموزشی مختلفی می‌توان پیشنهاد داد. به باور نگارنده «روش تدریس هدایت محور» به‌عنوان یکی از زیر مجموعه‌های روش تدریس فعال از مؤثرترین روش‌های تدریسی است که به‌عنوان مکمل روش تدریس سخنرانی می‌تواند در تغییر نگرش و تحقق اهداف شناختی و عاطفی دانشجویان در حوزه معارف اسلامی کارساز باشد. این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی و مبتنی بر مراحل هدایت و تبلیغ در قرآن و سیره اهل بیت (ع) و با رویکرد مخاطب‌شناسانه دانشجویان نسل امروز، بر این باور است که هرگونه فعالیت هدایتی و تبلیغی مدرسان معارف اسلامی زمانی اثرگذار خواهد بود که آنان ضمن برخورداری از فنون و تکنیک‌های روان‌شناسی تربیتی، از هادیان حقیقی در تمامی جزئیات فرآیند سه‌گانه هدایت و دعوت قرآنی اعم از: دعوت حکیمانه، موعظه حسنه، جدال احسن به شکل صحیح پیروی نمایند.

### واژگان کلیدی

روش تدریس، هدایت محوری، پیوست اخلاقی، کارآمدی تدریس، دروس معارف اسلامی.

## ۱. طرح مسئله

نظر به این که امر تبلیغ در جوامع بشری از اهمیت بالایی برخوردار بوده و مکاتب الحادی استفاده شایانی از ابزارهای پیشرفته تبلیغی برای پیشبرد مقاصد شوم خویش می‌کنند، ضرورت به کارگیری شیوه‌های تبلیغی صحیح به‌خوبی آشکار می‌شود.

شهید مرتضی مطهری در بیان ویژگی‌های مبلغان بیان ظریفی دارد، که از این قرار است:

تبلیغ در لسان موحدین، فلسفه نبوت به شمار آمده و مبلغ دینی در حقیقت رسولی است که رهنمودهای پیامبران الهی را به جامعه خویش منتقل می‌کند. شما اگر بخواهید به شکل غیرمستقیم امر به معروف کرده و بصیرت ساز باشید، یکی از راه‌های آن، این است که خودتان صالح و باتقوا و حکیم و با بصیرت باشید، خودتان اهل عمل و تقوا باشید. وقتی خودتان این طور بودید، مجسمه‌ای خواهید بود برای امر به معروف و نهی از منکر و بصیرت. هیچ چیز بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. شما می‌بینید مردم از انبیا و اولیا، زیاد پیروی می‌کنند؛ ولی از حکما و فلاسفه آن قدرها پیروی نمی‌کنند، چرا؟ برای اینکه فلاسفه فقط می‌گویند: فقط مکتب دارند، فقط تئوری می‌دهند؛ در گوشه حجره‌اش نشسته است، پی‌درپی کتاب می‌نویسد و تحویل مردم می‌دهد. ولی انبیا و اولیا تنها تئوری و فرضیه ندارند، عمل هم دارند. آنچه می‌گویند اول عمل می‌کنند. حتی این طور نیست که اول بگویند بعد عمل کنند، اول عمل می‌کنند بعد می‌گویند. وقتی انسان بعد از آن که خودش عمل کرد، آن گفته اثرش چندین برابر است. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۵۴)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مردم را به دین دعوت کنید اما نه با زبان، با غیر زبان دعوت کنید؛ یعنی باتقوا و ظاهر الصلاح بودن، اقامه نماز در ملاء عام و پیشتاز بودن در انجام کارهای خیر مردم را به اسلام دعوت کنید. (کلینی، ۱۴۲۹: ۲ / ۷۸، باب ورع) انسان وقتی عمل می‌کند، خودبه‌خود با عمل خود جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱ / ۲۵۴)

در مورد اهمیت احیای روش تدریس هدایت محور باید گفت که امروزه مهم‌ترین دغدغه خانواده‌ها و متولیان فرهنگی، بررسی علل تنزل اخلاقیات و تعهدات دینی در میان نسل حاضر و ارائه راهکارهای تربیتی صحیح است. به نظر نگارنده حاکمیت علوم تربیتی مبتنی بر حیوان ناطق بودن انسان بر علوم تربیتی جهان اسلام موجب اصالت ثروت و قدرت و علمی که در کسب آن دو کارساز باشد، در نگاه بشر امروز گشته و علوم انسانی را از حیز انتفاع ساقط کرده است. به عبارت دیگر نسل امروز از سه منظر با نسل‌های گذشته دارای تفاوت می‌باشد:

۱. اصالت ثروت و قدرت و کشش‌های نفسانی، رشد عرضی از توحش به تاهل و در نهایت نیل به تمدن بشر امروز منجر شده و در نتیجه بسیاری از والدین نسبت به آداب و تعهدات دینی (سفیری و غفوری، ۱۳۸۸: ۲۴ - ۱) خود و فرزندان‌شان سست گشته و رشد و تکامل طولی از جماد، نبات، حیوان، انسان، فرشته و قرب الی‌الله مورد تأکید علوم تربیتی ناب اسلامی مبتنی بر حی مثاله بودن انسان به‌دست فراموشی سپرده شده است.

۲. تولد در عصر تکنولوژی مبتنی بر ترویج سبک زندگی لیبرالی و تأثیر پذیری نسل امروز از آن تمدن می‌باشد.

۳. فرزندسالاری برآمده از سیاست کنترل جمعیت و تنظیم خانواده. (آل مولانا و اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۱۱۹) در هر سه مورد فوق باید گفت که از دهه هفتاد به این‌طرف در بسیاری از خانواده‌های جامعه ایرانی حتی در سطح جهانی یک نوع انفعال در کیفیت دین‌داری و پایبندی به ارزش‌ها قابل مشاهده است. (پورجلی و قنبری، ۱۳۹۷: ۱۲۴ - ۱۱۱) چراکه در نگرش این‌گونه خانواده‌ها ارتقای سواد رایانه‌ای و زبان خارجی و رتق و فتق امور مادی فرزندان از فضایل و برجستگی‌های ممتازی محسوب می‌شود.

در مورد پیشینه بروز نگرش فرزند سالاری باید گفت که بعد از ۱۹۴۰ شیوه‌های فرزندپروری در جهت انعطاف‌پذیری بیشتر دگرگون شد و متأثر از مکتب روان‌تحلیل‌گری بر امنیت عاطفی کودک و پرهیز از زیان‌های ناشی از کنترل شدید تکانه‌های طبیعی تأکید گردید. مطابق نظر دکتر اسپاک به والدین توصیه شد که از حس طبیعی خود پیروی کنند و از برنامه‌های انعطاف‌پذیری استفاده نمایند که هم با نیازهای خود آنان و هم با نیازهای کودک سازگاری دارد. (احمدی، ۱۳۸۱: ۲) از سوی دیگر استکبار جهانی با راه‌اندازی جنگ نرم (چرامی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۰ - ۸۵) و با سوءاستفاده از رسانه‌های جمعی و با راه‌اندازی دهکده جهانی، سبک زندگی لیبرالی مبتنی بر مباح بودن هر آنچه هوی و هوس می‌خواهد را تبلیغ و ترویج کرده و هر روز نیازهای کاذب جدیدی معرفی می‌کنند که فرزندسالاری برآمده از سیاست کنترل جمعیت یکی از ابعاد این سیاست می‌باشد؛ سیاستی که از سال ۱۳۶۸ به بعد نقش مضاعفی را در رویگردانی خانواده‌های ایرانی از سبک زندگی اسلامی و غلبه سبک زندگی لیبرالی با برقراری پیوند عاطفی افراطی با فرزندان در ارضاء خواهش‌های نفسانی شده است.

بر مبنای چالش‌های فوق سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که چه روش تدریسی در هدایت نسل حاضر برای عمل بر آموزه‌های اخلاقی و اسلامی می‌تواند کارساز باشد؟ روش معصومان علیهم‌السلام در مواجهه با متریبیان چگونه بوده است؟ به نظر نگارنده تنها راه از بین بردن شکاف نسلی میان نسل

حاضر با نسل‌های گذشته، احیای زیربنای «حی متألّه بودن انسان» در علوم تربیتی ناب اسلامی و بازگشت به دامن قرآن و سیره اهل بیت علیهم‌السلام است؛ چراکه جبهه دشمن در جنگ نرم با داشتن تنوع در تاکتیک‌ها و وحدت رویه با همدیگر، با راه‌اندازی غزوه احزابی دیگر به تشدید حملات بی‌وقفه خود با استفاده از رسانه، هنر و غیره اقدام نموده و نقاط و ظرایف رفتاری جوانان را به‌خوبی شناسایی نموده و از همان نقاط مشغول آسیب‌رسانی هستند؛ لذا بر همه مبلغان دین و مدرسان معارف اسلامی بیش از پیش واجب است که با تمسک به روش تدریس هدایت محور و با بهره‌گیری از انواع تکنیک‌های جذب مخاطب، ضمن به‌روز نمودن جزوات و دانش‌های اکتسابی خود به‌صورت فعالانه و با صبر و روی گشاده به تک‌تک شبهات دانشجویان گوش فرا داده و گاه‌با تمسک به یافته‌های علمی و تجربی دانشمندان غربی در اثبات فلسفه احکام و آداب و سبک زندگی اسلامی در هدایت دانشجویان کوشش نمایند. نگارنده روش تدریس هدایت محور را به روش تحلیلی - توصیفی از قرآن و سیره معصومان علیهم‌السلام استنباط نموده و معتقد است که این روش نسبت به روش تدریس زبانی و انفعالی دارای مزیت‌های بسیاری است و مکمل روش تدریس نیاز محور مورد تأکید متولیان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها می‌باشد.

## ۲. تعریف روش تدریس و تبیین آسیب‌های روش تدریس موجود

روش در مقابل واژه لاتینی «متد»<sup>۱</sup> به کار می‌رود و واژه متد در فرهنگ فارسی معین و فرهنگ انگلیسی به فارسی آریانپور به روش، شیوه، راه، طریقه، طرز و اسلوب معنی شده است. (معین، ۱۳۸۸: ذیل عنوان متد؛ آریانپور کاشانی، ۱۳۸۸: ذیل عنوان method) به‌طور کلی «راه انجام‌دادن هر کاری» را روش گویند. روش تدریس نیز عبارت از «راه منظم، باقاعده و منطقی برای ارائه درس است. تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل استاد و شاگرد، براساس طراحی منظم و هدف‌دار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد. تدریس مفاهیم مختلف مانند نگرش‌ها، گرایش‌ها، باورها، عادت‌ها و شیوه‌های رفتار و به‌طور کلی انواع تغییراتی را که می‌خواهیم در شاگردان ایجاد کنیم، در بر می‌گیرد» (میرزا محمدی، ۱۳۸۳: ۱۷)

روش‌های تدریس به دو نوع زبانی و فعال تقسیم می‌شوند: در روش تدریس زبانی، تنها مدرس با استفاده از وسایل و امکانات مختلف موجود مطلب موردنظر را آموزش می‌دهد. ولی در روش تدریس فعال، دانشجویان در یادگیری نقش فعالی داشته و به همراه معلم و مدرس، به فعالیت

1. Method.

پرداخته و به صورت ملموس با موضوع مورد تدریس ارتباط دارند. شاید بتوان گفت که ژان پیاژه از جمله کسانی است که بیش از همه به اهمیت روش‌های فعال پی برده و به کارگیری آنها را توصیه کرده است. پیاژه از تجربیات چندساله خود به این نتیجه رسیده است که تصورات و اعمال منطقی ذهن انسان زاینده اعمال اوست؛ به عقیده پیاژه، تصورات درعین حال که از تحریکات رسیده از طریق حواس حاصل می‌شوند، بیشتر نتیجه فعالیت‌هایی هستند که همواره با احساس همراه هستند. از نظر وی هرچه میزان فعالیت‌ها با احساس بیشتر باشد، تصور حاصل شده در ذهن صریح‌تر و دقیق‌تر خواهد بود. پیاژه از روش‌های تدریس غیرفعال انتقاد می‌کند. (آزمند، ۱۳۷۲: ۵۹)

با تعریفی که از روش تدریس زبانی و فعال ارائه گردید، همچنین با تتبع و تحقیق میدانی نگارنده از دانشجویان، چنین به دست می‌آید که در روش تدریس زبانی رایج در میان برخی مدرسان امروزی، صرفاً سرفصل دروس معارف اسلامی یا هر درس دیگری مراعات می‌گردد و آنان بدون استفاده از نظرات دانشجویان و عدم توجه به خواسته‌ها و شبهات دانشجویان در موضوعات مورد تدریس، صرفاً به تدریس به حالت نشسته و یکنواخت پرداخته و در پایان ترم نیز با دادن چندین نمونه سؤال به دانشجویان و اخذ تحقیق در مورد موضوعات دلخواهی آنان، امتحان برگزار نموده و در بعضی مواقع با دادن نمرات بالا به کسب محبوبیت کاذب در میان دانشجویان اقدام می‌کنند. روش تدریس زبانی که اساتید انگشت‌شمار و اندکی از اساتید معارف اسلامی نیز از آن استفاده می‌کنند، آسیب‌های جدی زیادی دارد که به‌طور خلاصه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

الف) روش تدریس زبانی با بُعد تربیتی فلسفه ارائه دروس معارف اسلامی در دانشگاه‌ها مصوب جلسه ۴۳۳ تاریخ ۱۳۷۷/۹/۱۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی در سیاست‌های اجرایی اسلامی شدن دانشگاه‌ها منافات دارد.

ب) از وظایف مهم استاد معارف به ویژه استاد اخلاق کاربردی و تفسیر موضوعی قرآن این است که در کنار تفسیر تئوریک آیات اعتقادی، به تفسیر کاربردی آیات متضمن مفاهیم احکام عملی همچون ورع، اجتهاد و تلاش در دینداری، امر به معروف و نهی از منکر، نماز اول وقت، روزه، کارهای خیر اعم از انفاق، زکات، خمس، و غیره بپردازد. در صورت اجرای روش تدریس زبانی از سوی اساتید، احکام عملی صرفاً به صورت لسانی و شفاهی بر دانشجویان تدریس می‌شود و موجب القای تسامح به دانشجویان در اجرای احکام عملی در وقت فضیلت آنها می‌شود.

ج) روش تدریس زبانی با مفهوم لغوی واژه (education) که به معنای تربیت است، منافات دارد؛ زیرا میان تربیت و روش تدریس زبانی رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است. تربیت ابعاد و

زوایای مختلفی دارد و یکی از ابعاد آن، تبیین زبانی می‌باشد. بنابراین ابعاد عملی تربیت در تربیت زبانی صرف، به‌دست فراموشی سپرده شده و موجب عدم جذب متربی و لجاجت بیشتر در مقابل شعارهای مربی می‌شود.

(د) روش تدریس زبانی موجود متناسب با شعار: «حیوان ناطق بودن انسان» است که مبنای علوم تربیتی وارداتی از غرب برای احیای فرضیه مرده تکامل داروین است، نظریه‌ای که به رشد عرضی از توحش به تاهل و نهایتاً به تمدن می‌انجامد و کسب ثروت و قدرت و علومی که در نیل به این دو هدف کمک رساند، اصالت پیدا کرده و در نتیجه رشته‌ها و دروس نظری امثال دروس معارف اسلامی در نگرش نسل امروزی از درجه اولویت تنزل یافته است؛ حال آنکه مبنای علوم تربیتی در دین اسلام به فرموده آیت‌الله جوادی آملی، «حی متألّه» بودن انسان و رشد طولی از جماد، نبات، حیوان، انسان، فرشته و قرب الی الله است. نکته با اهمیت در فرآیند و سیر تربیتی مبتنی بر حی متألّه بودن انسان این است که این روند صرفاً با تهذیب نفس مستمر و تادیب و تربیت و رعایت حکمت و اعتدال در ارضای خواهش‌های نفسانی و با نظم و برنامه دقیق عقیدتی، اخلاقی و احکامی ممکن و میسر می‌گردد؛ روندی که صرفاً در روش تدریس هدایت محور به آن توجه ویژه‌ای شده است نه در روش تدریس زبانی.

### ۳. کیفیت روش تدریس هدایت محور و مراحل هدایت در قرآن

باتوجه به اینکه دروس معارف اسلامی از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به هدف تعمیق معرفت و بصیرت دینی و هدایت دانشجویان در دانشگاه‌ها به تصویب رسیده است، ناگزیر باید به منبع هدایت؛ یعنی قرآن کریم به‌عنوان محکم‌ترین منبع هدایت (اسراء / ۹) در درجه اول تمسک جست؛ چراکه از منظر قرآن کریم تبلیغ مردم به سوی هدایت دارای سه مرحله؛ حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن است. (نحل / ۱۲۵) هدایت نیز دارای دو جنبه نظری (ایمان) و عملی (عمل صالح) است و مبلّغ دارای بصیرت نافذه و حکمت بالغه باتوجه به آیه ۱۰۸ سوره یوسف باید بدون اتکا به موضع و اجتهاد شخصی خود در درجه دوم و حداقل در حوزه هدایت عملی به تبعیت از سیره تربیتی پیامبر اسلام ﷺ توجه داشته باشد. لذا در فرآیند تدریس اتکای مدرس معارف به مدرک دانشگاهی یا حوزوی خود و تقوای خیالی کار ساز نمی‌باشد. به قول حافظ شیرازی: تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری ست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایش. (غزلیات حافظ، شماره ۲۷۶)

بنابراین تأکید استاد معارف بر شیوه تدریس زبانی رایج در میان برخی اساتید که در آن شیوه به

جنبه تئوری محض هدایت تأکید شده و از بعد عملی آن غفلت می‌شود، تدریس آنان را در حد شعار تقلیل ساخته و از بازخورد هدایتی کمتری برخوردار خواهد ساخت و صرفاً مخاطب چنین استادی گوش و ذهن دانشجویان است نه قلب و جان آنان؛ چراکه اصولاً عالی‌ترین هدف ادیان آسمانی، تعلیم و تربیت بشر با تهذیب نفس، تعدیل تمایلات و غرایز و بالا بردن روح و عقل بشر به عالی‌ترین سطح کمالات او بوده است. (حجتی، ۱۳۷۰: ۱۵) تربیت دینی فرآیندی است که در راستای ارضای نیاز فطری به دین، بخش مهمی از زندگی افراد را در برمی‌گیرد. اگر الگوی مطلوبی برای تربیت دینی در دسترس متصدیان این امر نباشد به خطا رفتن آنها در فهم اهداف، روش‌ها و محتوای تربیت دینی، لطمه بسیار سنگینی به رشد دینی افراد وارد می‌سازد. (عطاران، ۱۳۶۶: ۱۲) در سوره عصر و بسیاری از آیات دیگر بر تلازم ایمان با عمل صالح تأکید شده و فقدان یکی را موجب خسران انسان بیان شده است. با این وجود قرآن کریم عمل صالح را عامل اوج‌گیری ایمان و کلام پاک به سوی خدا معرفی فرموده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۰، ذیل تفسیر آیه ۱۰ سوره فاطر)

#### الف) بررسی مفهوم حکمت و کاربرد آن در روش تدریس هدایت محور

برخی لغت‌شناسان معتبر معنای اصلی حکمت را منع و جلوگیری بیان کرده‌اند و معتقدند که ۱. حکم از آن مشتق شده و به معنای هر چیزی است که از ظلم جلوگیری می‌کند. حکمت نیز بر همین قیاس است و به معنای چیزی است که از جهل جلوگیری می‌کند. ۲. فیومی ضمن تأیید مطالب فوق، بر آن است که وجه تسمیه حکمت آن است که حکیم را از اخلاق ناپسند منع می‌کند. ۳. فیومی، زمخشری و جوهری قائل‌اند حکم در باب افعال به معنای محکم و مستحکم بودن است. ۴. جوهری حکیم را، هم به معنای عالم می‌داند و هم به معنای کسی که کارهایش متقن است. حکمت به معنی دانش و منطق است و در اصل به معنی منع آمده و از آنجا که علم و منطق مانع از فساد است به آن حکمت گفته شده و به هر حال نخستین گام در دعوت به سوی حق، استفاده از منطق صحیح و استدلالات حساب شده است و به تعبیر دیگر دست انداختن در درون اندیشه مردم و به حرکت در آوردن آن و بیدار ساختن عقل‌های خفته نخستین گام محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۴۵۵)

نکته قابل توجه این است که معنای لغوی مذکور در واژه عقل نیز دیده می‌شود؛ بدین صورت که معنای لغوی عقل نیز منع است و عقل انسان را از جهل بازمی‌دارد. می‌توان گفت عقل یکی از منابع حکمت یا از شرایط دریافت حکمت است. (برنج‌کار، ۱۳۷۹: ۴ / ۸۶) از استعمالات لغت و آیات و احادیث روشن می‌شود که حکمت، دانش معصوم و خطاناپذیر است. در اینجا خلاصه‌ای از حکمت‌های لقمان را که در آیات ۱۳ تا ۱۹ سوره لقمان نقل شده است بیان می‌کنیم: ۱. توحید و دوری از شرک؛

۲. معاد و رسیدگی به همه اعمال؛ ۳. اقامه نماز؛ ۴. امر به معروف و نهی از منکر؛ ۵. صبر و استقامت در برابر مشکلات؛ ۶. تواضع و فروتنی؛ ۷. اعتدال در راه رفتن و سخن گفتن. (همان: ۸۸) در سوره لقمان بیشتر به بعد عملی حکمت تأکید شده و این نشان می‌دهد که حکمت در لسان قرآنی برآیند و نتیجه تعلیم کتاب و آموزه‌های دینی را شامل می‌شود. (جمعه / ۲)

#### ب) مقدمات نیل به حکمت عملی قرآنی در روش تدریس هدایت محور

حکمت عملی در روش تدریس هدایت محور به مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهایی اطلاق می‌شود که بخشی به اخلاق، بخشی به سیاست، بخشی به آداب تدبیر منزل برمی‌گردد. با توجه به این که در دو آیه ۱۵۱ سوره بقره، و آیه ۲ سوره جمعه، تزکیه مقدم بر تعلیم؛ و در آیه ۱۲۹ سوره بقره تعلیم مقدم بر تزکیه ذکر شده است، این نشان می‌دهد که هر یک از این دو امر در دیگری اثر می‌گذارد، یعنی تا مرحله‌ای از تزکیه نفس نباشد انسان به دنبال علم نمی‌رود و تا علم نباشد مراتب بالاتر تزکیه حاصل نمی‌شود. از طرف دیگر با توجه به احاطه چهارگانه ابلیس بر انسان (اعراف / ۱۷)، چاره‌ای جز استعانت از خداوند و پیروی از قرآن کریم باقی نمی‌ماند. براساس هدایت قرآنی سیر به مراتب بالای تهذیب نفس تنها در صورت دستگیری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اسوه حسنه (احزاب / ۲۱) و الگوی بصیرت (یوسف / ۱۰۸) امکان پذیر است؛ لذا بر هر مدرسی لازم است که برای نیل به تدریس مفید در تمامی مقدمات چهارگانه حکمت در آیه ۲ سوره جمعه اعم از: شناسایی اقتضائات عصری مخاطبان (رسولا منهم)، تلاوت قرآن (يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ)، تزکیه (وَيُزَكِّهِمْ)، تعلیم کتاب (يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ) از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل البیت علیهم السلام (شوری / ۲۳) پیروی نموده تا در مرحله پنجم یعنی تعلیم کاربردی و حکیمانه تدریس سودمندی ارائه دهد. در زیر به تبیین مقدمات چهارگانه تدریس حکیمانه فوق‌الذکر پرداخته می‌شود:

#### یک. ضرورت تاسی استاد معارف به رسول الله صلی الله علیه و آله در فرآیند تالیف قلوب دانشجویان

مبحث هدایت از مباحث بسیار حساس محسوب می‌شود که هر کسی را لیاقت هدایت دیگری نیست مگر اینکه خودش به مراتب بالای اخلاص (حجر / ۴۰) و طهارت (احزاب / ۳۳) دست یافته و از سوی خدا مأذون باشد. (شوری / ۲۱) قرآن کریم از حضرت ابراهیم علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با عنوان اسوه حسنه (همان: ۲۱) و بصیرت (یوسف / ۱۰۸) یاد فرموده و در مرحله بعد، ذریه معصوم آن حضرت (شوری / ۲۳) در کنار کتاب‌الله را مأذون در هدایت بشریت معرفی فرموده است. (نساء / ۵۹) بنابراین هرکسی که درصدد هدایت گروه دیگری باشد باید تابع محض شیوه هدایت چهارده



معصوم علیه السلام باشد تا در مسیر هدایت‌گری توفیق یابد. لذا باید گفت برخی از آداب تدریس از سوی استاد معارف عبارتند از:

**الف) اخلاص در نیت:** اساتید معارف علاوه بر تلاش در تهذیب نفس خود، بهتر است در امر هدایت‌گری به نیت قرب الی‌الله، پیرو محض چهارده معصوم علیهم السلام بوده و کلاس را با وضو و طهارت شروع نموده و بعد از ذکر نام خدا، با توسل به یکی از حضرات معصومان علیهم السلام به تدریس خود ادامه دهند.

**ب) ایمان به درست بودن کار خود با عمل به تکلیف و واگذاری نتیجه به خداوند:** استاد معارف اسلامی بهتر است روش تدریس هدایت محور را اصلی‌ترین وظیفه و تکلیف آموزشی و شرعی شغل معلمی خود دانسته و تمجید و تشویق دیگران، تفاوتی در حالات درونی و بیرونی او ایجاد نکند؛ بلکه پیوسته از خدا کمک بجوید که وظیفه معلمی خود را به نفع احسن انجام داده و اخلاص کارش را بیشتر کند و از نفوذ شیاطین انس و جن به خدا پناه برد. (احزاب / ۳۹؛ فصلت / ۳۰؛ عنکبوت / ۶۹؛ مائده / ۵۴)

**ج) ضرورت خوش‌رویی و شوخ‌طبعی استاد معارف:** سیمای مؤمنان در قرآن کریم به‌گونه‌ای است که همواره شکرگزار (ابراهیم / ۷) و بانشاط هستند. (یونس / ۵۸) یکی از برجسته‌ترین فضایل اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله، دائم التبسم بودن و خلق نیکو است. (قلم / ۴؛ آل عمران / ۱۵۹) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بسیار شوخ‌طبع بوده است؛ آن‌قدر مولا علی علیه السلام گشاده‌رو بوده که حتی در هنگام کمک به یتیمان ابتدا با لطفه‌ای یتیمان را به خنده واداشته و آنگاه هدیه‌ای را به دستشان می‌داده است؛ قنبر می‌گوید:

روزی امام علی علیه السلام از حال زار یتیمانی آگاه شد، به خانه برگشت و برنج و خرما و روغن فراهم کرده درحالی‌که آن را خود به دوش کشید، مرا اجازه حمل نداد، وقتی به خانه یتیمان رفتیم غذاهای خوش‌طعمی درست کرد و به آنان خوراند تا سیر شدند. سپس بر روی زانوها و دودست راه می‌رفت و بچه‌ها را با تقلید از صدای بَع بَع گوسفند می‌خنداند، بچه‌ها نیز چنان می‌کردند و فراوان خندیدند ... (حائری مازندرانی، ۱۳۸۶: ۴۰۷)

تهاجم فرهنگی دشمنان، از دین اسلام و از مؤمنان چهره‌ای خشن و جدی در نظر جوانان امروزی ساخته است؛ حال آنکه دین اسلام دارای جاذبه‌ها و دافعه‌های بسیاری است که در ایام ولادت بزرگان دین بر نشاط تأکید داشته و در کنار آن نیز بر گریه بر مصائب چهارده معصوم علیهم السلام و شدت و حدت بر دشمنان دین تأکید می‌ورزد. (فتح / ۲۹) لذا بر اساتید معارف اسلامی پیشنهاد می‌گردد برای جذب دانشجویان امروزی حداقل بعد از چهل و پنج دقیقه تدریس، خود یا یکی از دانشجویان دو لطفه و طنز خنده‌دار حلال متناسب با موضوع تدریس را بیان نمایند تا با تغییر فضای کلاس،

ضمن ایجاد تنوع، موجب نشاط در کلاس شده و مطالب مدرس به جای گوش و ذهن در جان دانشجویان رسوخ یافته و بر کیفیت تدریس افزوده شود. برخی کتب حاوی لطایف شیرین قابل استفاده در کلاس عبارتند از: کتاب *الخزائن* ملا احمد نراقی، *کشکول* شیخ بهایی، *مجموعه لطایف* ملا نصرالدین و بهلول داننده و غیره. این روش موجب ایجاد رفاقت استاد با دانشجویان شده و استاد با این رفاقت بر قلب آنان نفوذ کرده و با تزکیه قلوب آنان، زیبایی‌های دین اسلام را برای آنان عرضه می‌نماید.

#### دو. تأثیر تلاوت قرآن در فرآیند روش تدریس هدایت محور

خداوند در قرآن به عنوان محکم‌ترین وسیله هدایت بشری (اسراء / ۹) به بندگان خود بشارت داده که آنان هر سخنی که گوش فرا می‌دهند از نیکوترین آنها تبعیت می‌کنند. (قشیری، بی‌تا: ۳ / ۲۷۴ ذیل تفسیر آیه ۱۸ سوره زمر) و از خود قرآن به عنوان احسن الحدیث یاد می‌کند که با محتوای عمیق و لحن موسیقایی فوق‌العاده خود، چنان لرزه‌ای در پوست و قلوب گمراهان ایجاد می‌کند که در اثر تکرار تلاوت آن، پوست و قلوب گمراهان نرم می‌گردد. (بغوی، ۱۴۲۰: ۴ / ۸۵، ذیل تفسیر آیه ۲۳ سوره زمر) به همین خاطر در صدر اسلام مشرکان مکه به مردم دستور می‌دادند که در هنگام تلاوت دل نشین قرآن توسط پیامبر اسلام ﷺ در کنار کعبه با ایجاد سر و صدا مانع از رسیدن صوت قرآن بر گوش مردم شوند. (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۵ / ۱۳، ذیل تفسیر آیه ۲۶ سوره فصلت) تجربیات نشان داده است که تاکنون ده‌ها نفر از اطراف و اکناف جهان با شنیدن صوت دل‌نشین قرآن با صدای عبدالباسط مسلمان شده‌اند. عبدالباسط در اتو بیوگرافی خود می‌گوید:

من به ۱۴ ایالت از ایالات آمریکا که در آنها مراکز مسلمین وجود داشت سفر کرده‌ام که تعداد زیادی از مسلمین در این مراکز هستند. از تفضل خدا، در همه کشورها موفق بودم. در لس آنجلس ۶ نفر پس از شنیدن تلاوت قرآن کریم اسلام آوردند؛ در اوگاندا ۹۲ نفر. در آنجا دو مجلس داشتم: در یکی ۷۲ نفر از آنها و بقیه در مجلس دوم اسلام آوردند. حتی یک خانم گوینده تلویزیون همراه من بود که در آخرین روز خواست دستم را ببوسد و من متأثر شدم ولی نپذیرفتم، او تقاضا کرد به حج برود. به او گاندائی‌ها گفتم اگر اجازه بدهید، بگذارید این خانم امسال به مسافرت حج برود. پس از آن، خواست که نامش را تغییر دهد، من نام «آمنه» را برایش انتخاب کردم. (به نقل از سایت ویکی‌پدیا)

از نظر اخلاقی به اساتید معارف پیشنهاد می‌گردد برای غنا بخشی به کیفیت تدریس خود، در ابتدای هر جلسه، خود یا یکی از دانشجویان با تلاوت ترتیل چند آیه تدریس خود را شروع کنند.

### سه. کاربرد تزکیه در فرآیند روش تدریس هدایت محور

بعد از تلاوت قرآن، تزکیه قلب زنگار گرفته متریبان از مهم ترین وظایف مربیان پیرو پیامبر اسلام ﷺ می باشد. لازمه این کار مهذب بودن مبلّغ دین و تلاش بی وقفه وی در جهت نیل به مراتبی از قلب سلیم و قلب منیب است. تزکیه دارای دو بعد فردی و اجتماعی می باشد که فرآیند تزکیه در بعد فردی آن اعم از: تخلیه، مشارطه، مراقبه، محاسبه و معاتبه یا معاقبه - تجلیه - تحلیه به طور مفصل در کتب عرفانی عرفای بزرگ اسلام تبیین گردیده است. ولی به طور کلی باید گفت که اصلی ترین شاهراه و سهل الوصول ترین راه نیل به قلب سلیم، تزکیه آن با اقامه نماز در اول وقت با تاسی از حضرات معصومان علیهم السلام است؛ چراکه هر چند نماز واجب موسع است نه مضیق؛ ولی بر طبق آموزه های قرآن و عترت نیل به مراتب عالیه کمالات در گرو اقامه نماز در اول وقت آن است؛ لذا آیت الله بهجت به نقل از آیت الله قاضی طباطبایی بیان می دارد که هر کس بر اوقات پنج گانه نماز اول وقت مراقبت و مداومت نماید، به مقامات عالیه می رسد و اگر بعد از اقامه نمازهای پنج گانه در اول وقت شان به مقامات عالیه نرسید به من لعن کند. وی در تفسیر فرمایش آیت الله قاضی طباطبایی مطلق نماز ظاهری را موجب نیل انسان به مقامات عالیه می داند. بر این اساس اقامه نماز اول وقت (در وقت فضیلت) در آیات و روایات متعددی، از چنان اهمیتی در تهذیب نفس برخوردار است که حتی در صورت تراحم و تضاد آن با حق الناس، اقامه نماز اول وقت بر آن ترجیح داده می شود؛ زیرا:

اولاً) زمان مربوط به وقت اذان و اقامه نماز در وقت فضیلت حق الله بوده و اقامه حق الله بدون مستحبات آن، هرگز موجب تضييع حق الناس نمی شود. (نور / ۳۷)

بنابراین معاون آموزشی دانشگاه ها هرگز نباید برای زمان اذان برنامه کلاسی تعریف نمایند و در صورت اضطرار بر تعریف کلاس در وقت مذکور، باید حداقل به اساتید معارف به عنوان مبلغان دینی اجازه دهند تا به منظور اقامه نماز حداقل پانزده دقیقه کلاس را تعطیل نمایند؛ چراکه این کار خودش از سرفصل های تدریس دروس معارف محسوب شده و تداخلی با حق الناس ندارد و چه بسا تأثیر هدایتی آن به مراتب بیشتر از روش تدریس زبانی باشد.

ثانیاً) براساس فتاوی اکثر مراجع تقلید و ولی فقیه زمان حضرت آیت الله خامنه ای اقامه نماز در اول وقت بدون مستحبات و اذکار بعد از آن جایز است. (پاسخ رهبری به استفتاء شماره ۱۹۶۹ در سایت: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)) بر مبنای فتاوی فوق الذکر وجوب اقامه نماز در اول وقت به مراتب بر مدرس معارف اسلامی چندین برابر است و می تواند جزء سرفصل های تفسیر موضوعی قرآن و اخلاق اسلامی محسوب شود.

ثالثاً) استاد معارف مبلغ و مروج دین محسوب می‌شود و اجرای عملی نماز و دیگر احکام عملی به منظور الگو شدن در فرآیند تبلیغ دین براساس روایت معروف امام صادق علیه السلام: «کونوا دعاه للناس بغير السننکم لیروا منکم الورع و الاجتهاد و الصلاه و الخیر فان ذلک داعیه». (کلینی، ۱۴۲۹: ۲ / ۷۸) برای استاد معارف الزامی می‌باشد.

رابعاً) هرچند که براساس برخی از آیات قرآنی: اسراء / ۷۸؛ طه / ۱۳۰؛ هود / ۱۱۴ واجب موسوع بودن وقت اقامه نماز برای عموم مسلمانان فهمیده می‌شود؛ ولی طبق مضامین برخی آیات دیگر: نور / ۳۷؛ بقره / ۲۳۹ - ۲۳۸؛ نساء / ۱۰۳ - ۱۰۲؛ ص / ۳۳ - ۳۲؛ مائد / ۵۸؛ جمعه / ۹ خداوند در مورد خصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یاران خاص آن حضرت تأکید می‌فرماید که خودشان را بر اقامه نماز در اول وقت قرار دهند. در مورد اهمیت اقامه نماز در اول وقت دو آیه ۱۰۳ و ۱۰۲ سوره نساء کفایت می‌کند که می‌فرماید حتی در حال جنگ نیز با طنین انداز شدن نوای اذان، مسلمانان به دو دسته تقسیم شده و نماز خوف (دو رکعتی) به جا بیاورند؛ به گونه‌ای که عده‌ای مشغول جنگ شوند و گروه دیگر باید به اقامه نماز خوف در اول وقت فضیلت بپردازند و بلافاصله بعد از اتمام نماز به جنگ مشغول شده و گروه دیگر به اقامه نماز بپردازند و در نتیجه در زمان نماز چهار رکعتی هر دو گروه نماز را اقامه می‌کنند و هرگز نماز از وقت فضیلت به تاخیر نمی‌افتد. جایگاه اقامه نماز اول وقت در سیره اولیای الهی تا آنجا مهم هست که بر طبق مضمون آیات: «فَقَالَ لِيَّيْ أَحَبَّتْ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ \* رُدُّوْهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ». (ص / ۳۳ - ۳۲) حضرت سلیمان علیه السلام به جهت غفلت از اقامه نماز عصر در اول وقت، نماز را در وقت مشترک آن اقامه نفرمودند و به ملائکه دستور می‌دهد تا خورشید را به زمان اول وقت نماز عصر برگردانند تا نمازش را در اول وقت عصر به جا بیاورد. بر این اساس در روایات، شبیه این داستان نیز برای حضرت علی علیه السلام اتفاق افتاده است. به نقل سیره‌نگاران این داستان به ردالشمس معروف است که بر اهمیت ادای نماز در وقت فضیلت در سیره معصومان تأکید می‌کند؛ در این واقعه، خورشید برای امام علی علیه السلام به چند لحظه قبل بازگشت تا آن حضرت علیه السلام نماز عصر خویش را در وقت ادای خود بخواند. گفته شده که این معجزه یک‌بار برای حضرت یوشع بن نون علیه السلام وصی موسی نبی علیه السلام (صدوق، ۱۴۱۳: ۱ / ۲۰۳) و دو بار نیز برای امام علی علیه السلام؛ یکبار در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و بعد از وفات ایشان (دیلمی، ۲۲۷ / ۲: مفید، ۱۴۱۳: ۱ / ۳۴۶؛ راوندی، ۱۴۰۹) رخ داده است.

نمونه دیگر از سیره عملی معصومان علیهم السلام در مورد اقامه نماز در اول وقت؛ داستان خاتمه دادن بر مجلس مناظره با عمران صابی از سوی امام رضا علیه السلام و اقامه نماز در اول وقت است: به دستور مأمون،

علمای برجسته از فرقه‌های گوناگون در مجالس مناظره حاضر می‌شدند و امام رضا علیه السلام با آنها مناظره می‌کرد. در یکی از مجالس «عمران صابی» در مجلس حاضر شد و درباره توحید با امام رضا علیه السلام وارد گفتگو گردید در آن جلسه امام سؤال‌های او را باحوصله، متانت، استدلال‌های قطعی و روشن پاسخ داده و او را به سوی توحید متمایل کرده بود، هنگامی که مناظره به اوج خود رسید و چیزی به تحول درونی آن دانشمند زبردست صائبین نمانده بود، حضرت رضا علیه السلام احساس کرد وقت اذان ظهر است. امام علیه السلام به مأمون فرمود: «الصلاه قد حضرت؛ وقت نماز فرا رسید.» عمران صابی که به حقایق دست یافته و از دریای دانش سرشار امام هشتم علیه السلام بهره‌هایی برده بود با التماس گفت: آقای من! گفتگو را قطع نکن دل من آماده پذیرش سخنان شما است. اما حضرت رضا علیه السلام تحت تأثیر سخنان احساس برانگیز او قرار نگرفت و فرمود: عیبی ندارد نماز را می‌خوانیم و دوباره به گفتگو ادامه خواهیم داد. در این حال امام و همراهان به اقامه نماز مشغول شدند. آن حضرت بعد از اقامه نماز دوباره به گفتگو ادامه داده و پاسخ‌های روشنگرانه خویش را ارائه نمود. (برجی، ۱۳۸۷: ۲۴)

قرآن کریم شهوت‌پرستی نسل آخرالزمان را نتیجه اضاعه و به تأخیر انداختن نماز از اول وقت، دانسته است. (مریم / ۵۹) در مجمع‌البیان در ذیل جمله: «أضاعوا الصلاه» آمده که بعضی‌ها گفته‌اند: مقصود کسانی است که نماز را از وقت خود تأخیر بیندازند نه اینکه ترک کنند و این معنا از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۸۰۳)

بنابراین عدم توجه و التزام عملی استاد معارف به جنبه عملی هدایت، موجب می‌شود که دانشجویان، دروس معارف را صرفاً برای سرگرمی و ابزاری برای افزایش معدل دانسته و فایده عملی چندانی از آن دریافت نکنند و این خود اهانت و ضربه‌ای به دین مقدس اسلام و از پیامدهای آن تساهل در دین‌داری در میان نسل امروزی می‌شود.

دومین عملی که در تزکیه فردی و اجتماعی تأثیر به‌سزایی دارد و از وظایف و شئون ذاتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومان علیهم السلام و هادیان پیرو آن حضرات علیهم السلام محسوب می‌شود، اخذ صدقات از اموال مؤمنان جهت تزکیه و طهارت آنان و نیز تشویق دیگران برای اطعام مساکین هست.

قرآن کریم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را موظف به اخذ صدقه جهت طهارت و تزکیه مؤمنان که از مقدمات هدایت محسوب می‌شود، معرفی نموده و دعای پیامبر بر مؤمنان صدقه دهنده را مایه آرامش آنان می‌داند؛ (توبه / ۱۰۳) لذا با توجه به شعار معروف معلمی شغل انبیاست، اساتید معارف به‌عنوان مبلغان دین در بعد عملی روش تدریس هدایت محور، بهتر است دانشجویان را به پرداخت صدقه برای فقرزدایی از جامعه با پیشتازی خود استاد تشویق نمایند. قرآن کریم به اهمیت عمل صالح تأکید نموده و

حیات طیبه را در گرو عمل صالح برآمده از ایمان معرفی کرده (نحل / ۹۷) و مؤمنان را تشویق به تجارت با خدا با انفاق در راه خدا نموده است. (فاطر / ۲۹؛ حدید / ۱۱؛ بقره / ۲۴۵، ۲۶۱ و ۲۶۲؛ انعام / ۱۶۰) بنابراین استاد معارف بهتر است با توضیحات حکیمانه خود، سعی در ایجاد رقابت و منافسه در کارهای خیر در میان دانشجویان نماید. (واقع / ۱۱ - ۱۰؛ بقره / ۱۴۸ و ۲۶۵) چراکه قرآن کریم ضرورت فقرزدایی از جامعه را از وظایف ثروتمندان معرفی می‌کند که با انفاق فردی یا تشویق دیگران بر کارهای خیر با تشکیل گروه به ریشه‌کنی فقر از جامعه کمک کنند. (مائده / ۲؛ فجر / ۲۰ - ۱۵؛ حاقه / ۳۲ - ۲۵؛ ماعون / ۳ - ۱؛ بلد / ۱۶ - ۱۱)

تشکیل گروه خیریه جزئی از شئون و وظایف اصلی معلمی استاد معارف محسوب گشته و طبق تجربه نگارنده در رسوخ آموزه‌های دینی در قلب و جان دانشجویان بسیار کارساز بوده و در هدایت آنان معجزه می‌کند؛ چراکه نگارنده با تشکیل گروه حیات طیبه ثقلین از سال ۱۳۹۱ تاکنون حدود ۶۰ کارگاه عمل صالح و سبک زندگی اسلامی با نظارت مدیر گروه معارف و مجوز مدیران فرهنگی دانشگاه برگزار نموده و در هر کلاس حداقل چهار نفر نماینده از دانشجویان که در صورت مختلط بودن دو نفر آقا و دو نفر خانم انتخاب کرده و وظیفه نمایندگان را جمع‌آوری کمک‌های نقدی برای خرید اجناس مایحتاج نیازمندان و تحویل آن به مددجویان با معرفی و نظارت نگارنده و کمیته امداد یا بهزیستی صورت می‌گیرد. استاد معارف باید به دانشجویان توضیح دهد که هرگونه کمک، آزادانه بوده و هیچ اجباری برای کمک وجود نداشته و تنها برای جلب رضایت است.

شیوه جمع‌آوری کمک‌های نقدی باید به‌گونه‌ای باشد که کسی متوجه میزان کمک یا عدم کمک دانشجویان نشود. لذا برای عملی نمودن این شرط بهتر است نمایندگان کلاس با تهیه جعبه‌های در بسته یا پلاستیک سیاه رنگ که فقط راه ورود یک دست به‌صورت مشت بسته باشد، تهیه کنند و ابتدا استاد معارف خودش کمک خود را آشکارا داخل جعبه بیندازد. (بقره / ۴۴) آنگاه یکی از نمایندگان جعبه را در بین دانشجویان در کلاس بگرداند و همه دانشجویان به نوبت مشت خود را ببندند، خواه داخل مشت پول باشد یا نباشد و دست خود را بصورت مشت بسته داخل جعبه کنند و سپس به‌صورت دست گشوده در آورند.

براساس تجربه نگارنده به‌طور میانگین ماهیانه از هر کلاس حداقل صد هزار تومان جمع شده و بعد از جمع‌آوری صدقات با تاسی از آیه ۱۰۳ سوره توبه برای رستگاری دنیوی و اخروی دانشجویان از صمیم دل از سوی استاد دعا برای سعادت آنان ابراز می‌گردد. در کارگاه‌های شصت گانه گذشته چندین جهیزیه، جراحی بیماران محتاج، کمک ماهیانه به حداقل سی خانوار محتاج و عیادت از

آسایشگاه‌های سالمندان فیاض بخش و خوبان و آسایشگاه جانبازان فجر تبریز و کمک‌های مادی و معنوی متعدد دیگری گردیده است و همچنان در حال برگزاری می‌باشد.

#### چهار. کاربرد تعلیم کتاب در فرآیند روش تدریس هدایت محور

با توجه به اینکه انبیای الهی در فرآیند تبلیغ خود بیش از هر چیزی بر میزان رشد عقلی مردم عصر خود توجه می‌کردند؛ امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «انا معاشر الانبیاء امرنا ان نكلم الناس علي قدر عقولهم». (کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۲۷) اهمیت علم و تعلیم و تعلم در دین اسلام بیش از هر دینی مورد تأکید قرار گرفته و در این راستا در راه کسب علم هیچ‌گونه خط قرمزی نیامده است؛ تاجایی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به ضرورت علم‌آموزی و لو از کفار تأکید فراوان داشتند؛ تا جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله آزادی اسرای مشرکان مکه در جنگ بدر را به آموزش علم برای حداقل ده نفر مشروط فرمودند و نیز در روایتی فرمودند که علم اگر در ثریا باشد مردانی از فارس بدان دست می‌یابند. (حمیری، ۱۴۱۳: ۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۴ / ۱۷۴) یا در روایت دیگر از حضرت علی علیه السلام که علم اگر در چین باشد مؤمنان باید آن را طلب کنند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۵۷) اساتید معارف در عصر حاضر بهتر است با تأسی از سیره تربیتی حضرت ابراهیم علیه السلام که تبلیغ مبتنی بر عصرت را در زمان خود در مواجهه با بت‌پرستان با سناریوسازی محسوس که با نبود نمودن بت‌ها جز بت بزرگ و گذاشتن تبر بر روی شانه بت بزرگ و نیز با تسلیم مصلحتی بر عقاید باطل ستاره‌پرستان و ماه‌پرستان و آفتاب‌پرستان، بعد از افول آنها، خداوند معقول و مبتنی بر فطرت را به آنان شناساند؛ از این شیوه بهره گیرد. لذا نگارنده با شناسایی ویژگی‌های شخصیتی و علایق دانشجویان نسل امروزی به یافته‌های تجربی و آزمایشگاهی دانشمندان جهان غرب و دور شدن برخی از جوانان نسل حاضر از عمل بر آموزه‌ای منقول دین اسلام، از سال ۱۳۹۶ آزمایش‌های علمی مبتنی بر تجربه و آزمون و خطا را وارد روش تدریس خود نموده و ابتدا با پخش کلیپ‌های مربوط به یافته‌های دانشمندان غربی از قبیل یافته‌های دانشمندان فیزیک کوانتوم و نسبییت انیشتین و تکنیک تبسم دکتر هیولن آمریکایی که با استغفار نیابتی کلیه بیماران خطرناک اعصاب و روان بیمارستان هاوایی را غیر مستقیم و بدون ملاقات شفا نمود و نیز پخش کلیپ یافته دکتر یوشینوری اوسومی در مورد نقش روزه بر اتوفازای و خودخوری سلول‌های معیوب توسط سلول‌های سالم، همچنین یافته دکتر اسماعیل اکبری بر تأثیر نماز بر ژن‌ها و درمان قطعی بیماران سرطان با نماز و پخش کلیپ‌های ریورس آهنگ‌ها و نقش مخرب موسیقی‌های لپهوی بر ناخودآگاه انسان و از همه بیشتر آزمایش معروف دکتر ماسارو ایموتوی ژاپنی با عنوان «شهادت آب یا شعور آب» که در این آزمایش ایموتو با القاء ردایل و فضایل اخلاقی بر روی

آب‌های مناطق متعددی از سراسر جهان، بعد از یازده سال شعور و حساسیت فوق‌العاده مولکول آب بر هرگونه سخنان مثبت و منفی را اثبات نمود، (سایت آپارات) هر چند که این حقیقت ۱۴۰۰ سال پیش در داستان معروف تأثیر صلوات از سوی زنبور عسل بر شیرین شدن طعم عسل بیان شده است، (؟؟ کشکول النور: ۲ / ۲۸، به نقل از کتاب امالی) آمده است. با این روش دانشجویان به صورت علمی تأثیر هر گونه قول و فعل مثبت و منفی انسان بر حیات طیبه یا خبیثه آگاه می‌شوند؛ روشی که نگارنده در حدود چهار ترم است که در دانشگاه‌ها اجرا می‌نماید و دو نمره پایان‌ترم را نیز به این آزمایش‌ها اختصاص می‌دهد.

#### ۴. کارکرد موعظه حسنه در روش تدریس هدایت محور

وعظ به مثابه یک روش تربیتی تأثیرگذار، همواره شیوه‌ای قدیمی در سنت‌های دینی است که برای تأثیرهای روانی و معنوی از آن سود می‌بردند. یکی از عمده‌ترین شیوه‌های عمومی پیامبر ﷺ استفاده از وعظ برای راهنمایی مردم بود؛ به‌ویژه پیامبر برای صحابه‌ای که به لحاظ شناخت و عواطف به ایشان نزدیک‌تر بودند، از این روش استفاده می‌کرد. برخی از این موعظه‌ها مانند موعظه‌ها و وصایای پیامبر برای حضرت علی علیه السلام و ابوذر تا زمان ما باقی‌مانده است. این شیوه در رفتار ائمه معصوم علیهم السلام نیز مشاهده می‌شود و تعبیرهایی همچون زنده‌شدن در مورد موعظه به کار رفته است: «أحي قلبك بالموعظة؛ قلبت را با موعظ زنده کن». (نهج البلاغه، نامه ۳۱) علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر خواستید دلتان را زنده کنید، از موعظه استفاده نمایید». این سخن، اهمیت، ارزش و سطح تأثیرگذاری این شیوه را می‌رساند. از این رو، موعظه را می‌توان این‌گونه تعریف کرد که هرگاه کارهای نیک و حقایق بدیهی طوری یادآوری شود که قلب شنونده از شنیدن آن بیان، رقت پیدا کند و در نتیجه، تسلیم آن حقایق گردد و به عبارت دیگر، سخنی که دل‌های سخت را نرم سازد و کردار زشت را نیکو گرداند. (باقری‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۶ / ۷۵ - ۵۷)

امروزه از جوانان و نوجوانان شنیده می‌شود که می‌گویند: «حوصله پند و اندرز ندارم. دوباره می‌خواهی نصیحتم کنی؟ گوشم از این حرف‌ها پُر است. بس است دیگر نمی‌خواهم بشنوم و...». بدیهی است در علت‌شناسی این لجاجت‌ها نمی‌توان به راحتی قضاوت کرد. ممکن است بخشی از آن به ویژگی‌های شخصیتی موعظه‌گر، بعضی به شنونده موعظه و برخی نیز به فرایند موعظه ارتباط داشته باشد. واعظ باید ویژگی‌هایی داشته باشد که در برخی آیات و روایات به آن اشاره شده است؛ از جمله اینکه واعظ همچون لقمان، حکیم باشد. (لقمان / ۱۲) دیگر اینکه خیرخواه و امانتدار باشد. (اعراف / ۶۸) موعظه او از روی



دلسوزی باشد. (شعراء / ۳؛ كهف / ۶) همچنین واعظ باید خود، عامل به موعظه خویش باشد. (صف / ۲) و در گفتارش تواضع و نرمش وجود داشته باشد. (آل عمران / ۱۵۹) شرایط موعظه نیز باید مهیا باشد و با نیاز مخاطب و حالات روحی او متناسب باشد. علی علیه السلام می‌فرماید: دل‌ها را روی آوردن و پشت کردنی است. پس دل‌ها را آنگاه به کار وادارید که خواهشی دارند و روی آوردنی؛ زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کور می‌گردد. (نهج البلاغه، ح ۱۹۳)؛ در جای دیگر می‌فرماید که موعظه‌های دینی باید از اجبار به دور و ملال‌آور نباشد. (کلینی، ۱۴۰۵: ۲ / ۲۲۲) همچنین علاوه بر شرایط موعظه، مخاطب نیز در صورت برخورداری از ایمان و عدم عناد با حقیقت‌جویی و دریدن حجاب‌های غفلت و غرور، آمادگی پذیرش موعظه را خواهد داشت. (باقری‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۶ / ۷۵ - ۵۷)

با نگاهی به مواعظ خداوند در قرآن از زبان لقمان حکیم و موعظه علی علیه السلام در نامه ۳۱ *نهج البلاغه* به‌روشنی مشخص است که تلاش فراوانی صورت می‌گیرد تا ضمن برخورداری فرایند موعظه از یک نوع تواضع، به‌ویژه تواضع معرفتی، متربی اقتناع گردد و از این‌رو، تنها به پند و اندرز صرف و بدون پشتوانه عقلی پرداخته نمی‌شود. (همان)

با دقت در روش تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بیان این نکته از سوی او که من هم بشری هستم، تنها به من وحی می‌شود و یا اینکه من نمی‌گویم غیب می‌دانم و یا اینکه فرشته هستم. (انعام / ۵۱) سعی دارد تا ماهیت انسانی و بشری وجود خود را برای مخاطبان روشن سازد تا در یک سطح هم‌عرض به تربیت مردم بپردازد. اهمیت این رابطه عرضی تا آنجاست که یک نوجوان به جای مراجعه به یک متخصص یا یک فرد صاحب تجربه، تنها دوست خود را که هم‌عرض اوست، به‌عنوان مشاور خویش برمی‌گزیند؛ زیرا این رابطه را یک رابطه طولی و اقتداری نمی‌بیند و بنابراین، نه تحقیر می‌شود و نه در سطحی فروتر قرار می‌گیرد. نقیب‌زاده در تحلیل علت تأثیرگذاری افکار روسو در انقلاب فرانسه و فیلسوف بزرگی همچون کانت می‌گوید:

نگاه روسو و آهنگ گفتار او، نگاه و آهنگ ناصح و واعظ نیست. چنان نیست که خود را بیرون از دایره خطا و گناه بینگارد و به نمودن عیب‌های دیگران برآید. خود را در راه و آنان را گمراه بشمرد و به چشم حقارت در آنان بنگرد. عیب خود پنهان دارد و برشمردن عیب دیگران را مایه امتیاز خویش گرداند. نگاه او، نگاه دردمندی تیره‌روز است که بیش از آنکه با دیگران بستیزد، با خود در ستیز است و بیش از آنکه دیگران را بدکار بشمارد، گناهان خود را برمی‌شمارد. از این‌روست که زندگینامه او همانا اعترافات اوست. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۲۳)

در صحنه ادب فارسی، به‌ویژه در دیدگاه‌های عرفانی نیز موعظه‌گری مورد آسیب‌شناسی قرار

گرفته است. آنجا که حافظ بر خویش واجب می‌داند که وعظ بی‌عملان را نشنود:

عنان به میکده خواهیم تافت زین مجلس      که وعظ بی‌عملان واجب است نشنیدن  
(حافظ،؟؟ دیوان)

یا اینکه به دلیل ریاکاری و تزویر، واعظ را از خویش می‌رانند:

دور شو از بَرَم ای واعظ و بیهوده مگوی      من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم  
(همان)

از این رو اگر واعظ خود عامل نباشد، نه تنها نصیحت او فایده‌ای نخواهد داشت که به تدریج روش تربیتی موعظه نیز، حتی در صورت عامل بودن واعظ، مورد تعمیم نامناسب قرار می‌گیرد. در روایتی از امام صادق علیه السلام هم نقل شده است که اگر عالم به علم خود عمل نکند، موعظه‌اش از دل‌ها گم می‌شود، همان‌گونه که باران از روی سنگ زایل می‌گردد. (کلینی، ۱۴۰۵: ۱ / ۴۴) همچنین مولوی بر نقش وجود انگیزه درونی یا همان توجّه به تشنگی و جویندگی موعظه اشاره می‌کند:

مستمع چون تشنه و جوینده شد      واعظ آر مرده بُود، گوینده شد  
(مولوی:؟؟ د ۱)

##### ۵. کارکرد جدال احسن در روش تدریس هدایت محور

مشتقات جدل ۲۹ بار در قرآن کریم به کاررفته است که با توجه به آیات قرآن و مراجعه به کتب تفسیری و وجوه و نظایر، در مجموع پنج معنا برای آن در قرآن ذکر شده است: اولین وجه جدال در قرآن، خصومت است؛ مثل آیه «وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ». (رعد، ۱۳؛ برگرفته از تفسیر مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۲ / ۳۷۱؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۳ / ۱۱؛ طوسی، بی‌تا: ۶ / ۲۳۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۴۳۵) البته مفسران معانی دیگر نیز ذکر کرده‌اند؛ مثلاً ابن کثیر معنای شک را ذکر می‌کند و می‌گوید: «وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ يَشْكُونَ فِي عِظْمَتِهِ». (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴ / ۳۸۲)

دومین وجه جدال در قرآن، «مراء» به معنی ستیز و لجاجت است؛ برای نمونه، «مُقَاتِل و فَرَاء» آیه «وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (بقره / ۱۹۷) را به «لَا مِرَاءَ فِي الْحَجِّ» تفسیر کرده‌اند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳ / ۷۱۷؛ فراء، ۱۹۸۰: ۱ / ۱۲) به نظر می‌آید به این دلیل مراء معنا شده است که طعنه زدن

در کلام و لجبازی و مخالفت را مدنظر دارد؛ چنان که از ابن عباس و ابن مسعود در معنای جدال در حج نقل شده است: «أن تُماري صاحبك حتى تُغضبه». (ابن کثیر، ۱ / ۴۰۶)

سومین وجه جدال در قرآن، «دفاع کردن» است و هرکجا جدال با واژه «عن» آمده باشد، به معنای «سخن مدافعانه و جانب‌دارانه» آمده است. برای نمونه، در آیه «لا تُجادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَلُونَ أَنْفُسَهُمْ»، (نساء / ۱۰۷) خداوند پیامبر را از دفاع به نفع خائنان نهی می‌کند.

چهارمین وجه جدال، گفتگو برای رسیدن به یک هدف است؛ از جمله خداوند در آیه «فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَ جَاءَهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ» (هود / ۷۴) از گفتگوی ابراهیم با فرشتگان مأمور عذاب قوم لوط، به جدال تعبیر می‌کند.

وجه پنجم جدال، به معنای جدال احسن است که تنها در دو آیه «... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل / ۱۲۵) و «وَ لَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت / ۴۶) به آن اشاره شده است. دسته‌ای از مفسران همچون طبرسی، حقی بُرسوی و آلوسی، جدال در این آیات را به معنای مناظره گرفته‌اند. در مجمع‌البیان آمده است: «وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ، أَي نَاظِرْهُمْ بِالْقُرْآنِ وَ بِأَحْسَنِ مَا عِنْدَكَ مِنَ الْحُجَجِ». (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۶۰۵؛ حقی بُرسوی، بی تا، ۵ / ۹۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۷ / ۴۸۷) همچنین در برخی تفاسیر همچون بحوالعلوم و تقریب القرآن إلى الأذهان معنای محاجه نیز برای لفظ جدال در این دو آیه ذکر شده است. (سمرقندی، بی تا: ۲ / ۲۹۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۳ / ۲۷۸)

براساس آنچه در آیات و تفاسیر درباره جدال احسن ذکر شده مختصاتی استخراج شده است که عبارت‌اند از:

۱. اخذ به مشترکات اعتقادی و رفتاری؛ مانند محاجه ابراهیم با ستاره‌پرستان و پذیرش اعتقاد مشترک به لزوم ثبات فیض و قدرت خدای برتر.
۲. همراهی با خصم تا آماده‌سازی وی برای پذیرش حقیقت؛ مانند همراهی و پذیرش اولیه باور مشرکان به خدایی ماه و ستاره و خورشید تا رسیدن به مرحله تزلزل عقیده مشرکان و قبول توحید.
۳. خطاب وجدانی؛ مانند این خطاب ابراهیم به مخاطبان مشرک: «أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ \* وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَ مَا تَعْمَلُونَ». (صافات / ۹۶ - ۹۵)
۴. بیان مهربانانه و به‌دوراز خشونت؛ مانند اینکه ابراهیم به عمویش گفت: من می‌ترسم که عذاب خدا به تو برسد و یار شیطان شوی و همه پیامبران با لحن دلسوزانه و عاطفی (یا ایت، یا قوم = ای پدر عزیزم، ای قوم من) با مردم سخن می‌گویند.

۵. منطق سلیم و روش مناظره نرم و نیکو و پرهیز از تسلط و تحکم؛ چنان که قرآن توصیه می‌کند: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» و در ادامه، بیان رسا و قاطع پس از اثبات حقیقت و نرمش مخاطب.

۶. رعایت موضع برابر با طرف مقابل؛ مانند توصیه قرآن به پیامبر در آیه ۴۶ عنکبوت در رعایت اخلاق مناظره: «وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ».

۷. تکیه بر علم و حقیقت و پرهیز از وهم و ظن. «إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ»

۸. استفاده از بیان احساسی و عاطفی در کنار تبیین حقایق.

۹. بیان تدریجی حقایق و شکیبایی در برابر ناشکیبایی و تندی طرف مقابل. (عباسی مقدم و

مرقی، ۱۳۹۷: ۱ / ۶۴ - ۵۴)

جدال احسن در هندسه معارف قرآن ذیل مفهوم دعوت و یکی از روش‌های آن مطرح شده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ يَا الْحَكِيمَ وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ پس برای شناخت بهتر جدال احسن، لازم است جایگاه آن در دعوت مشخص شود. (همان)

## ۶. نتیجه

۱. اصلی‌ترین مبانی روش تدریس هدایت محور، اقتدا و توسل بر سیره تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام است؛ روشی که از آیات محکمت قرآن و از روایات متواتر و سنت چهارده معصوم علیهم‌السلام استنباط گردیده است و از پشتوانه تحلیل درون دینی برخوردار هست؛ حال آنکه روش تدریس زبانی از منابع غربی و برون دینی اخذ گردیده است.

۲. تأکید بیش از حد استاد معارف یا هر مبلغ دینی بر روش تدریس و تبلیغ زبانی صرفاً زمینه پنجاه درصد هدایت نظری را فراهم می‌کند و پنجاه درصد سهم هدایت عملی ناقص می‌ماند در این صورت استاد معارف در تدریس خود دچار کم‌فروشی (ویل للمطففین) خواهد شد.

۳. عامل اصلی نگرش منفی و تحمیلی دروس معارف اسلامی از سوی برخی دانشجویان را باید در روش تدریس زبانی محض جستجو نمود؛ چراکه در آن روش دانشجویان از استاد معارف بیشتر شعار می‌بینند تا عمل. این نوع نگرش، به تدریج به جای جذب آنان به دین، موجب گریز آنان از دین شده و برای استاد معارف نیز ضامن را به دنبال دارد.

۴. باید با ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی، اسلامی‌سازی علوم تربیتی عملی گشته و علوم تربیتی مبتنی بر «حی متاله بودن انسان» جایگزین مبنای غربی «حیوان ناطق بودن انسان» گردد.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

### نهج البلاغه.

۱. آریانپور کاشانی، منوچهر، ۱۳۸۸، *دیکشنری انگلیسی به فارسی هفت جلدی*، تهران، نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه امین.
۲. آزمند، محمد، «روش های تدریس فعال و آراء صاحب نظران ژان پیاژه برونر»، *رشد معلم*، شماره ۹۷، دی ماه ۱۳۷۲، ص ۶۱ - ۵۹.
۳. آل مولانا، بابک و محمد مهدی اسماعیلی، ۱۳۸۹، «بررسی سیاست های تحدید و تنظیم خانواده»، *فصلنامه برداشت دوم*، سال هفتم، شه ۱۱ و ۱۲، تابستان و پاییز ۸۹، ص ۱۴۲ - ۱۰۹.
۴. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ ۱.
۵. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق محمد عبدالسلام عبدالشافی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۷. احمدی، محمدرضا، ۱۳۸۱، «فرزند سالاری»، *مجله مطالعات راهبردی زنان*، ش ۱۵، ص ۱۳.
۸. باقری نیا، حسن، ۱۳۹۳، «روش تربیتی موعظه؛ چالش ها و آسیب ها با تأکید بر آموزه های قرآنی»، *مجله معارف قرآنی*، دوره ۵، ش ۱۶، بهار ۹۳، ص ۷۵ - ۵۷.
۹. برجی، یعقوب علی، ۱۳۸۷، *جلوه وصال (نماز در سیره و کلام امام رضا علیه السلام)*، مشهد، نشر قدس رضوی.
۱۰. برنج کار، رضا، ۱۳۷۹، «مفهوم حکمت در قرآن و حدیث»، *مجله صحیفه مبین*، زمستان ۷۹، ش ۴، ص ۸۶.
۱۱. بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، داراحیاء التراث العربی. *تال جامع علوم انسانی*.
۱۲. بلخی، مولانا جلال الدین محمد، ۱۳۹۹، *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران، ققنوس، چ ۱۱.

۱۳. پورجیلی، ربابه و سکینه قنبری، ۱۳۹۷، «بررسی عوامل خانوادگی - اجتماعی مرتبط با نگرش دختران به فرار از منزل (مورد مطالعه: دختران نوجوان ۱۹ - ۱۲ ساله شهر زنجان در سال ۱۳۹۷)»، *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، دوره ۱۱، ش ۴۱، زمستان ۹۷، ص ۱۲۴ - ۱۱۱.
۱۴. چرامی، شهرزاد با همکاری باقر ساروخانی و مصطفی ازکیا، ۱۳۹۷، «مطالعه جامعه‌شناختی جنگ نرم در بافت‌های شهری با تأکید بر راهبردهای رسانه ملی در شهر ایرانی - اسلامی»، *مجله مطالعات تفسیری*، دوره دهم، ش ۳۸، بهار ۹۷، ص ۱۰۰ - ۸۵.
۱۵. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، ۱۳۶۸، *دیوان حافظ*، قم، موسسه الوفاء / انتشارات اندیشه.
۱۶. حائری مازندرانی، شیخ محمد مهدی، ۱۳۸۶، *شجره طویی*، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
۱۷. حجتی، سید محمد باقر، ۱۳۵۸، *اسلام و تعلیم و تربیت*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۴ق، *تقریب القرآن إلى الأذهان*، بیروت، دارالعلوم، ج ۱.
۱۹. حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، *قرب الاسناد*، قم، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، لاجیاء التراث.
۲۰. دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم، الشریف الرضی، ج ۱.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
۲۲. راوندی، قطب‌الدین سعید بن هبة‌الله، ۱۴۰۹ق: *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه امام مهدی علیه‌السلام.
۲۳. سفیری، خدیجه با همکاری معصومه غفوری، ۱۳۸۸، «بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده»، *مجله پژوهش جوانان*، فرهنگ و جامعه، ش ۲، بهار و تابستان ۸۸، ص ۲۷ - ۱.
۲۴. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، *بحر العلوم*، بی‌جا، بی‌تا.
۲۵. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق: *من لایحضره الفقیه*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم؛
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو. *رتال جامع علوم انسانی*
۲۸. عباسی مقدم، مصطفی و محمدفلاح مرقی، ۱۳۹۷، «معناشناسی و ملاک‌شناسی جدال احسن قرآنی»، *مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، دوره ۷، ش ۱، بهار و تابستان ۹۷، ص ۶۴ - ۴۵.

۲۹. عطاران، محمد، ۱۳۶۶، *آزای مریبان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک*، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
۳۰. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، بی تا، *لطایف الاشارات*، مصر، هیئته المصریه العامه للکتاب.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۲۹ ق، *کافی*، قم، دارالحدیث.
۳۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۳. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *ترجمه مصباح الشریعه امام صادق علیه السلام*، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، چ ۱.
۳۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، *حماسه حسینی*، تهران، صدرا، چ ۳۲.
۳۵. معین، محمد، ۱۳۸۸، *فرهنگ فارسی*، شش جلدی، تهران، امیر کبیر.
۳۶. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ ق، *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۷. مقاتل بن سلیمان (بلخی)، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث، چ ۱.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۳۹. میرزا محمدی، محمد حسن، ۱۳۸۳، *کتاب ارشد*، تهران، پوران پژوهش.
۴۰. نقیب‌زاده، میر عبدالحسین، ۱۳۸۶، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران، طهوری.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی